

نقش تکنیک روشن و خاموش و تصویربرداری در نوشتن املا

محمود مهرآوران

دانشیار دانشگاه قم و همکار علمی جامعه المصطفی

سید محمدجواد آقاسیدجعفر (تهرانی)

مدرس و همکار علمی جامعه المصطفی

چکیده

در آموزش زبان، مهارت نوشتن، یکی از چهار مهارت زبانی است و صحیح‌نویسی و املا از مهم‌ترین مراحل آموزش در این مهارت است ولی عده‌ای علی‌رغم هوش طبیعی، به دلایلی، گرفتار اختلال در املا هستند. این اختلالات در مراحل نخستین آموزش زبان بیشتر دیده می‌شود. این نوشتار حاصل پژوهشی است که با بررسی میدانی بر روی تعدادی از اوراق امتحانی فراگیران خارجی و ایرانی، اختلالات املائی آنان مشاهده و دسته‌بندی شده و راه رفع این مشکل پیشنهاد و آزموده شده است. یکی از بهترین راهها برای رفع مشکلات املائی زبان آموزان تکنیک روشن و خاموش و تصویربرداری است. در این تکنیک فراگیر با کشیدن ماژیک علامت‌گذاری زرد بر روی واژه‌های سخت، آن را روشن می‌کند؛ کلمه‌های روشن یعنی املائی آن را نمی‌داند؛ سپس نوبت به تکنیک تصویربرداری می‌رسد که در آن، فراگیر سه تا پنج ثانیه به واژه نگاه می‌کند و تصویری از آن را در حافظه خود ذخیره می‌کند. هنگام نوشتن املا، با شنیدن آن کلمه، ناخودآگاه تصویری از آن از حافظه او فراخوان می‌شود و به راحتی می‌تواند آن کلمه را بنویسد. در مجموع، آموزش صحیح حروف الفبا، آواها و رسم الخط فارسی، شکستن قفل گوش و قفل زبان و چشم فراگیر با تکنیک روشن و خاموش یا تصویربرداری و روش‌هایی که حاصل تجربه سالها آموزش زبان فارسی به زبان‌آموزان ملیت‌های مختلف است برای حل اختلالات املائی، توصیه می‌شود.

کلمات کلیدی: آموزش زبان فارسی، اختلالات املائی، حافظه کوتاه‌مدت، تکنیک روشن و خاموش، تصویربرداری، صحیح‌نویسی.

۱. مقدمه

آموزش زبان فارسی امروزه در جامعه ما امری اجتناب‌ناپذیر و مورد توجه بسیاری از مراکز و نهادهای علمی است و به مرور زمان به کاری تخصصی و علمی تبدیل شده است. اگر هر آموزشی با اصول و تکنیک‌های علمی انجام شود، آموزش آن علم آسان‌تر و فراگیری آن علم نیز با سهولت بیشتری انجام خواهد شد. بی‌توجهی به این اصول، گاهی فراگیری یک علم را در نگاه فراگیر سخت جلوه می‌دهد و انگیزه و شوق آموختن را در او می‌میراند ولی اگر اساتید و معلمان شیوه‌های مناسبی را برای تعلیم به کار بگیرند، یادگیری برای فراگیر آسان می‌شود.

آموزش زبان فارسی در کشور ما چند گروه مخاطب دارد: نخست دانش آموزان ایرانی که در دوره ابتدایی، فارسی می‌آموزند و طبعاً مشکلاتی خاص در آموزش بویژه در املا دارند. دوم دانش آموزان غیر ایرانی که زبان فارسی می‌آموزند و در کنار دانش آموزان ایرانی یا به شکلی مستقل مشغول آموختن هستند. مشکلات این گروه بسیار بیشتر از دانش آموزان ایرانی است. سوم فارسی‌آموزانی که اغلب در سنین بالا هستند و در مراکز و مؤسسات آموزش زبان، فارسی می‌آموزند. این گروه در دوره‌های متفاوت در مدت دو-سه ماه یا بیشتر زبان فارسی می‌آموزند. اینها نیز در آموختن خویش با مشکلاتی رو به رو هستند و به دلایلی در مهارت نوشتن بویژه در املا اختلالاتی دارند. این گروه با توجه به سن بالا و آشنایی با بسیاری از قواعد زبان خود یا زبانی دیگر زودتر می‌توانند بر مشکلات خود غلبه کنند. البته برای این کار ضروری است با روش‌هایی علمی و تجربه شده به برطرف کردن مشکلات آنان پرداخته شود.

پژوهش حاضر روشی نو و بدیع در همین راستاست که حاصل تجربه بیش از بیست سال، در امر آموزش زبان فارسی به زبان‌آموزان از ملیت‌های مختلف (غیر فارسی‌زبانان مرکز آموزش زبان فارسی، وابسته به جامعه المصطفی در قم) است. در این روش با استفاده از شیوه‌ای تجربی و آمیخته با دانش‌های آموزش زبان، با روشی آسان، یعنی تکنیک روشن و خاموش یا

تصویبررداری از روی کلمه به رفع اختلالات املا پرداخته است. در این روش با شکستن قفل چشم و دیدن کلمه، در ضمن ۱۷ مرحله، با استفاده از نیم‌کره غیر کلامی را ست مغز فراگیر می‌تواند با صرف مدت زمان ۱۰ تا ۲۰ دقیقه هر شب، به سهولت بر این مشکل پیروز شود. این تکنیک در چندین بازه زمانی بین سال‌های ۹۰ تا ۹۶ در مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی جامعه المصطفی (ص) العالمیه نسبت به املاهای زبان‌آموزان ملیت‌های مختلف با سن‌ها و سطح کتاب‌های گوناگون که مشکل املائی داشتند اجرا شد. همچنین در مورد فارسی‌زبانان، برای املاهای فارسی و یا املاهای انگلیسی، به کار بسته شد و در همه موارد نتیجه، مثبت و موفقیت‌آمیز بود. همچنین در این پژوهش به فواید استفاده از این تکنیک و پیشنهادهایی در این باره پرداخته شده که امید است برای همگان مفید باشد.

۲. علل بروز خطاهای املائی و مصداقهای آن

طبعاً آموختن زبانی دیگر با دشواری و خطا همراه است و علل و عوامل گوناگونی در بروز اختلالات املائی در بین فراگیران زبان دوم وجود دارد. برخی از این علل عبارتند از: ناآشنایی با آواها و حروف بویژه آواهایی که واجگاه آنها به هم نزدیک است یا حروفی که در شکل بسیار به هم شبیه یا نزدیک هستند؛ اختلاف زبان مادری و مواردی مثل اشکال در تدریس یا روش تدریس استاد، لهجه و گویش استاد، اشکال در کتاب آموزشی، عوامل فیزیولوژیک مؤثر در بروز اختلالات یادگیری، نابهنجاری در پردازش اطلاعات دیداری، مشکلات خانوادگی، بیماری فراگیر یا یکی از اعضای خانواده‌اش، خستگی و خواب‌آلودگی، بی‌انگیزه بودن و ... که سبب استرس، بی‌دقتی و عدم تمرکز می‌شود. برخی از این اشکالات کمتر و برخی بیشتر در بین فراگیران دیده می‌شود. برخی از شکلها و مصداق اختلال در مهارت نوشتن و املا نیز عبارتند از: اضافه یا کم نوشتن حرفی ناشی از خطا در شناخت آواهای کوتاه و بلند، سرهم یا جدانویسی نابجای کلمه، ننوشتن حروف استثنا، نوشتن به زبان مادری، کم یا زیاد یا بی‌جا گذاشتن دندانه، نقطه، تشدید، فرآیندهای واجی حذف، تبدیل، افزایش و قلب.

۳. فراگیری براساس حس خلاقه فراگیر

همه‌ی مردم نیروی بالقوه‌ای را برای صحیح‌نویسی را دارند، ولی به دلایلی بعضی از نظر ابزار و نظام آموزشی دچار ضربه شده‌اند. هدف از این مقاله این است که می‌خواهد، مقدماتی را برای شکوفایی آن نیرو و دستیابی به درجه‌ای از آگاهی در خلاقیت و خودانگیزی در پیش راه فراگیر بگذارد تا بتواند به دور از اضطراب و با احساس لذت، شیبی حدود ده تا بیست دقیقه تمرین کند و آموخته‌هایش را به کار ببندد تا به موفقیت برسد.

ادعا چنین است که تقریباً همه فراگیران بدون استثنا با به کارگیری صحیح این روش و تکنیک می‌توانند به درجه‌ای عالی در این زمینه برسند و به مرور مهارتی به دست آورند که به راحتی با شیبی ده دقیقه نسبت به هر درسی می‌توانند هم در املاهای کلاسی و هم در امتحان املا، بدون اضطراب و نگرانی و با اعتماد به نفس کافی در جلسه امتحان شرکت کنند و به موفقیت شگفت‌انگیزی برسند.

«رها شدن از بند درک عادی و معمولی، چند ساعتی رها شدن از قید زمان نمایش دنیای درون و برون، نه با کلمات و نظرات بلکه با مغز، تجربه‌ای گران‌بها برای هر کسی است (آلدوس هاکسلی، در چپه‌های ادراک به نقل از بتی ادواردز، ۱۳۹۵: ۱۵).

۴. راهی به سوی خلاقیت:

همه ما در معرض اطلاعات مستقیم و محسوس و برخورد با پدیده‌های گوناگون هستیم. هرکسی نسبت به رشته علمی یا کار و حرفه خویش در ارتباط با جهان پیرامون خود است؛ برای درک آنها نیز دست کم به مقداری دانش نیاز داریم و باید بیاموزیم اما «فرد خلاق به طور خودانگیز امکانات تبدیل داده‌های معمولی را به مخلوقی جدید — فراتر از صرف مواد خام — می‌بیند. افراد خلاق بارها و بارها فرق بین دو روند جمع‌آوری اطلاعات و تبدیل خلاقانه آن‌ها را شناخته‌اند». (بتی ادواردز، ۱۳۹۵: ۱۵).

تکنیک روشن و خاموش و تصویرپردازی — که در ادامه معرفی و توضیح داده خواهد شد — یکی از راه‌های خلاقه برای کاهش یا برطرف کردن اشکالات املائی است. این تکنیک بر اساس تجربه‌ای است که در آغاز برای فراگیران خارجی که برای آموزش زبان فارسی به مرکز آموزش زبان فارسی آمده بودند و حدود چهل تا پنجاه غلط املائی داشتند حدود نیم ساعت

توضیح داده و به کار برده شد؛ بلافاصله همان املائی که فراگیران چهل تا پنجاه غلط داشتند توسط کامپیوتر به آن‌ها گفته شد؛ نتیجه آزمایش آنی و فوری بود؛ غلط‌های آن‌ها بسیار کاهش یافت؛ مثلاً یکی از آن‌ها در دو مورد نقطه نگذاشته بود و «دویست و چهل» را به صورت متصل «دویست و چهل» و «دمش» را «دمش» و «درخت» را «درخته» نوشته بود. در اصل این‌ها غلط‌های خاصی نبود و در مرحله بعدی املا، غلط‌ها به صفر رسید. بعد از آزمایش‌هایی که از فراگیران با ملیت‌های مختلف گرفته شد نتیجه بسیار رضایت‌بخش بود و غلط‌های آن‌ها منحصر به نقطه، تشدید، سرکج و یا غلط‌های ناشی از صدای بم کامپیوتر بود که وقتی خود استاد آن کلمات را به آن‌ها می‌گفت، غلط‌ها را اصلاح می‌کردند و فراگیران احساس می‌کردند معجزه‌ای صورت گرفته است.

بعد از آزمایش و امتحان روی ملیت‌ها و سن‌های مختلف و یقین به کارآمد بودن این تکنیک، مطالعه و تحقیقات در این موضوع ادامه یافت و صحت این کشف به اثبات رسید.

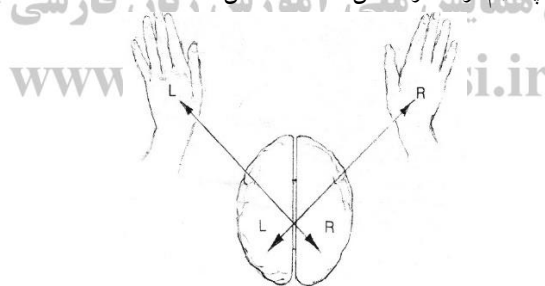
۵. آشنایی با دو نیم‌کره مغز

وقتی به مغز انسان از بالا نگاه می‌کنیم، شبیه به دو نیمه گردو است؛ دو نیمه‌ی حلقه حلقه گرد و ظاهراً شبیه به هم، که از وسط به هم وصل شده‌اند. (شکل ۱) این دو نیمه را «نیم‌کره چپ» و «نیم‌کره راست» نامیده‌اند.



شکل ۱

دستگاه عصبی انسان با اتصال متقاطع به نیم‌کره‌ها وصل شده است. نیم‌کره چپ، نیمه راست بدن و نیم‌کره راست، نیمه چپ را کنترل می‌کند؛ مثلاً اگر نیمه چپ مغز در اثر ضربه یا سانحه‌ای آسیب ببیند بر نیمه راست بدن به طور جدی اثر می‌گذارد و آسیب نیمه راست مغز روی قسمت چپ بدن اثر می‌گذارد. به علت متقاطع بودن اتصال رشته عصبی به مغز، دست چپ به نیمه راست و دست راست به نیمه چپ وصل است. (شکل ۲)



شکل ۲. ارتباط متقاطع دست چپ با نیم‌کره راست و دست راست با نیم‌کره چپ

۶. دو مغز

در مغز حیوانات نیم‌کره‌ها اصولاً از نظر کاری شبیه به هم یا متقارن هستند ولی نیم‌کره‌های مغز انسان از نظر کاری نامتقارن رشد می‌کنند. قابل توجه‌ترین اثر خارجی نامتقارن بودن مغز انسان، راست دستی و چپ دستی است. در حدود صدوپنجاه سال پیش دانشمندان پی بردند که حرف‌زدن و توانایی‌های مربوط به زبان اکثریت افراد «تقریباً ۹۸ درصد راست دست‌ها و حدود دو سوم چپ‌دست‌ها»، اساساً در نیم‌کره چپ قرار گرفته است. این آگاهی که نیم‌کره چپ مغز مخصوص حرف‌زدن است. تا حد زیادی از مشاهده اثرات آسیب‌های مغزی به دست آمده است. مثلاً معلوم شده که آسیب در نیم‌کره چپ مغز، اکثراً باعث از دست‌دادن قدرت تکلم می‌شود ولی آسیبی با همان شدت با نیم‌کره راست چنین تأثیری ندارد؛ چون تکلم و زبان بیشتر با فکرکردن و تعقل و کارهای عالی‌تر دیگری که انسان را از سایر موجودات متمایز می‌سازد در ارتباط است. دانشمندان قرن

نوزدهم، نیم‌کره چپ را نیم‌کره «کبیر» و نیم‌کره راست را نیم‌کره «صغیر» نامیده‌اند. نظری کلی که تا این اواخر شایع بود، عقیده داشت که نیمه‌ی راست مغز کمتر از نیمه‌ی چپ رشد و تکامل یافته است؛ نیمه‌ی راست مغز نیمه‌ی خاموش و کم‌توانی است که نیمه‌ی گویای چپ آن را هدایت می‌کند. همچنین نیمه‌ی راست مغز به ما کمک می‌کند تا تصاویر دیداری را درک کنیم و آنچه را می‌بینیم تشخیص دهیم و به ما در درست کردن تصاویر ذهنی موقع خواندن یا صحبت کردن کمک می‌کند.

۷. ارتباط بحث نیم‌کره‌ها با املا

ممکن است بپرسید این چیزها چه ربطی به فراگیری املا دارد؟ از تحقیقاتی که در مورد نوع کار و پردازش اطلاعات بصری نیم‌کره‌های مغز انسان به دست می‌آید می‌توانیم نتیجه بگیریم که فراگیر ما اگر به توانایی‌های نیم‌کره «صغیر» یا فرمان‌بر راست دست بیابد و اگر بتواند نیم‌کره گویا یا چپ را برای مدت کمی تعطیل کند و نیم‌کره راست را «فعال» کند و از آن استفاده کند می‌تواند به موفقیت برسد. چرا که نیم‌کره راست، آن اطلاعات بصری را پردازش می‌کند که فراگیر برای کار خود به آن نیاز دارد و مغز چپ به روشی عمل می‌کند که به نظر می‌رسد مزاحم آن است.

از تحقیقات به عمل آمده نتیجه می‌گیریم: که یا یکی از دو نیم‌کره مغز مشغول به کار است - در شرایطی که یک نیم‌کره مشغول کار است دیگری خاموش است - و یا هر دو مشغول کارند، که در این صورت یکی از دو نیم‌کره‌ها اختیار عمل را به دست می‌گیرد.

۸. تصویربرداری تخیلی به شیوه نیم‌کره راست

هنگام تحقیقات و مطالعه درباره صحیح نویسی به این نتیجه رسیدیم که شیوه‌ی کار کسی که می‌خواهد املا صحیح داشته باشد با شیوه‌ی کار یک نقاش و طراح شبیه به هم است و اساس کارشان مشترک است و هر دو از مغز سمت راست استفاده می‌کنند و هر دو سر و کارشان با دیدن است، به همین علت درباره طراحی و نقاشی، مطالعات و تحقیقات زیادی انجام شد و اگر جمله‌هایی از طراحان بزرگ و مثال‌هایی در باره طراحی بیان می‌شود به خاطر مشترک بودن اساس کار آن دو با هم است.

«فراگیری طراحی در واقع فراگیری دیدن است. - دیدن صحیح - و معنای آن چیزی و برای نگاه کردن عادی است» (کیمون نیکولائید، روش طبیعی طراحی، به نقل از بتی ادوارز، ۱۳۹۵: ۱۱).

یکی از توانایی‌های شگفت‌انگیز نیم‌کره راست مغز، تصویربرداری تخیلی است؛ دیدن تصویر تخیلی کلمه با چشم مغز. مغز قادر است تصویر شیء و یا حتی کلمه‌ای را مجسم و به آن نگاه کند و آن را چنان ببیند که انگار واقعاً وجود دارد. این توانایی را اصطلاحاً تخیل یا تصور می‌نامند. البته کلمه تصور در اینجا پسندیده‌تر از کلمه تخیل است. زیرا تصور معنی تصویری در حال حرکت را در بطن خود دارد؛ در حالی که تخیل تصویری ثابت و بدون حرکت را القا می‌کند.

هم تصور و هم تخیل از عناصر مهم مهارت در طراحی، نقاشی و صحیح نوشتن هستند؛ نقاش یا فراگیر ما هنگام طراحی و یا مطالعه، به شیء، شخص یا کلمه نگاه می‌کند. تصویری مغزی از آن برمی‌دارد و به حافظه می‌سپارد، سپس طراح به کاغذ نگاه می‌کند و آن را طراحی می‌کند و فراگیر ما هر وقت که بخواهد می‌تواند آن را روی کاغذ بنویسد.

۹. دیدن به شیوه نقاشان رمز جادویی موفقیت

حتماً تاکنون دیده‌اید که طراحان و نقاشان بدون بودن چیزی در مقابلشان به راحتی مثلاً تصویر یک اسب، انسان، یا هر چیز دیگری را در همه‌حالت‌ها و از همه‌ابعاد به تصویر می‌کشند. مثلاً یک انیمیشن‌ساز، یک موجود را در همه‌حالت‌ها، از مقابل، جوانب، پشت سر، خوابیده، ایستاده، درحال دویدن، یا درحال رفتن آرام و ... به تصویر می‌کشد و اگر شما با کارهای هنری آشنا نباشید، با خود می‌گویید: که یک نقاش و طراح چگونه می‌تواند به این زیبایی طراحی و نقاشی کند؟ و یک مجسمه‌ساز چگونه می‌تواند مجسمه‌ای را بسازد و انیمیشن‌ساز چگونه می‌تواند به یک شیء بی‌جان روح ببخشد و آن را به حرکت دریاورد. اما نقاشان، طراحان، مجسمه‌سازها و انیمیشن‌سازها این کار را حتی بدون نگاه به شیء انجام داده و می‌دهند.

«نقاش با چشمانش نقاشی می‌کند، نه با دستانش. او آنچه را که می‌بیند، البته در صورتی که واضح ببیند می‌تواند روی کاغذ بیاورد. آوردن آن به روی کاغذ شاید نیاز به وقت و زحمت زیاد داشته باشد ولی نیروی

عضلانی مورد نیاز آن، چیزی بیشتر از نوشتن نیست. مهم واضح دیدن است» (موریس گروسر، چشم نقاش، به نقل از بتی ادواردز، ۱۳۹۵: ۱۲).

رمز جادویی موفقیت یک طراح، نقاش، مجسمه‌ساز، داستان‌نویس، شاعر و به طور کلی هنرمندان، در این است که در هر جایی به دنبال سوژه‌ای هستند تا بتوانند روزی آن را به یک اثر هنری تبدیل کنند. پس باید از چشم و گوش خود خوب استفاده کنند؛ یعنی: یک طراح، نقاش و... باید خوب ببیند و یک داستان‌نویس و شاعر، باید خوب ببیند و خوب بشنود؛ توجه به این نکته حائز اهمیت است که هنرمندان باید به شیوه‌ای خاص به دنیا بنگرند و بشنوند. مثلاً وقتی به تابلوی عصر عاشورای استاد فرشچیان توجه می‌کنیم اسبی را در حال افتادن به روی زمین می‌بینیم که تعداد زیادی تیر به او خورده و دختران و زنان گرد او جمع شده‌اند و... آیا این هنرمند، چنین منظره‌ای را با چشم خود دیده است؟ یا شبیه آن منظره غم‌انگیز را برای او مجسم کرده‌اند؟ تا آن را به تصویر بکشد. هرگز! بلکه این هنرمند، به حالت‌های مختلف اسب و انسان به شیوه‌ای خاص نگاه کرده و این مهارت را به دست آورده که توانسته است چنین منظره‌ای را به این زیبایی خلق کند.

به قول چینی‌ها ده هزار چیزی را که در اطرافم است طراحی می‌کنم. طراحی نظمی است که با آن دائماً دنیا را کشف می‌کنم. «متوجه شده‌ام که آن چه را که در طراحی‌هایم نیآورده‌ام آن‌ها را واقعاً ندیده‌ام. (فردریک فرانک، ذن و دیدن، به نقل از بتی ادواردز، ۱۳۹۵: ۱۲)

همین کلام را باید برای کسی که املائی خوبی ندارد بیان کنیم؛ کسی که کلمه‌ای را در املا غلط می‌نویسد، در حقیقت آن کلمه را واقعاً ندیده است؛ پس باید به کلمه آنقدر نگاه کند تا بتواند مثل ارشمیدس فریاد شادی بزند و بگوید: آن را «فهمیدم». کار کسی که املائی ضعیفی دارد مثل کار یک نقاش، طراح و مجسمه‌ساز است و خوب دیدن، به شیوه خاص به طور حیرت‌انگیزی املائی فراگیر را دگرگون می‌کند.

البته باید توجه کرد: اگر فراگیر غیر از خوب دیدن کلمه که همان تصویربرداری مانند نقاشان است، تلفظ صحیح کلمه را هم مانند داستان‌نویس و... بشنود و سعی کند آن کلمه را خوب تلفظ کند موفقیت او در نوشتن املائی صحیح بیشتر می‌شود. به طور کلی باید گفت: خوب دیدن، خوب شنیدن و خوب تلفظ کردن کلمه‌ها، تأثیر به‌سزایی در صحیح نوشتن کلمه‌ها دارد؛ مثلاً بیشتر آذری‌ها واژه‌ی «اسلام» را «ایسلام» تلفظ می‌کنند. به همین علت در املا هم «ایسلام» می‌نویسند؛ پس راز دیگر موفقیت در صحیح نوشتن، صحیح خواندن کلمه است. هر چند که اگر کسی تکنیک خوب دیدن و عکس برداری را به کار ببندد، املائی او به طور معجزه‌آسایی خوب می‌شود. ولی خوب شنیدن و صحیح تلفظ کردن هم می‌تواند به او کمک کند تا زودتر به هدفش برسد.

چهارمین همایش ملی آموزش زبان فارسی - ۱۳۹۹

نگاه نقاش

نوع نگاه و دقت در نگرستن، یکی از زمینه‌های آفرینش آثار هنری است. «طراحی در واقع کار مشکلی نیست. مشکل کار در دیدن، یا دقیق‌تر بگوییم، رسیدن به شیوه‌ی خاص دیدن است (بتی ادواردز، ۱۳۹۵: ۱۲).

شاید شما نقاشانی را دیده باشید که به کلاس آموزش خط نرفته‌اند ولی مثلاً خط ثلث، نسخ، نستعلیق، را به زیبایی می‌نویسند. در اصل بسیار زیبا کلمه‌ها را نقاشی می‌کنند ولی برعکس، یک خطاط، هر قدر در نوشتن خط استاد باشد، نمی‌تواند نقاشی خوبی داشته باشد. علت آن است که نگاه نقاش بسیار عمیق است. و به ریزه‌کاری‌ها و خطوط توجه خاصی می‌کند.

یک طراح، یک نقاش و مانند آنها برای این که بخواهند چیزی را خوب طراحی کنند باید مدت زمانی به آن نگاه کنند؛ بهتر بگوییم به آن خیره شوند و در آن ذوب شوند و در اعماق آن فرو روند، تا عکس آن شیء را در قسمت حافظه بلندمدت مغز که در طرف راست مغز است (به تعبیر امروز: در هارد مغز خود) ذخیره کنند. طراح به راحتی این کار را انجام داده است. اگر ما بخواهیم نقاشی، طراحی، و انیمیشن‌سازی را با درست نوشتن یک کلمه یا کلمه‌ها مقایسه کنیم، خواهیم فهمید که تصویربرداری از یک کلمه یا کلمه‌ها بسیار آسان‌تر از تصویربرداری از یک موجود از همه جوانب و اطراف است.

پس نتیجه می‌گیریم که توانایی درست نویسی فرد به خاطر پردازش اطلاعات دیداری اوست که مربوط به کارکرد ویژه‌ی نیم‌کره‌ی راست مغز است و به درست‌نویسی شخص کمک می‌کند. باید به جرأت گفت: درست نویسی املا چنان با دیدن در ارتباط است که مشکل می‌توان آن‌ها را از هم جدا کرد و باید از کسی که املائی ضعیفی دارد بخواهیم که مقداری نگاهش را عمیق‌تر کند و به شکل کلمه‌ها عمیق‌تر نگاه کند تا به موفقیت برسد.

۱۰. استفاده از قسمت راست مغز در کلاس اول

در کلاس اول، معلم قبل از آموختن اسم حروف الفبا، از دانش آموزان می‌خواهد شکل حروف را خوب ببینند، سپس از آنها می‌خواهد تا حروف را نقاشی کنند. مثلاً می‌گوید: یک سطر یا بیشتر مثل این، خط خط بکش. دانش آموز هم بدون این که بداند کاری که می‌کند چه کاری است، شروع به کشیدن خط‌های افقی و عمودی می‌کند. وقتی شکل حروف در حافظه او جاگرفت معلم اسم حروف را به او آموزش می‌دهد. پس نتیجه می‌گیریم معلم‌ها برای آموزش بهتر به طور ناخودآگاه از قسمت راست مغز کودکان استفاده می‌کنند.

۱۱. آموختن بدون معلم

شاید تاکنون شما هم با کودکانی روبرو شده باشید که به مدرسه نمی‌روند ولی وقتی مثلاً تلفن همراه پدرشان را به آنها بدهید به راحتی به قسمت دفترچه تلفن می‌روند و به مادر، برادر، خواهر، مادر بزرگ و خود زنگ می‌زنند یا به راحتی تلفن ثابت را برمی‌دارند و شماره گیری می‌کنند. راز کار آنها در این است که وقتی نزدیکانشان را هنگام تماس با دیگران دیده‌اند، شکل نام‌ها یا شماره‌ها را خوب دیده‌اند و به ذهنشان سپرده‌اند؛ این راز موفقیت آنها است. هیچ وقت یاد نمی‌رود وقتی را که دیدم فرزند کوچکم که هنوز به مدرسه نمی‌رود، به راحتی اسم برادرانش و ... را روی دفتر نقاشی‌اش نوشته است. در اصل او به شکل نوشتاری این اسم‌ها نگاه عمیق کرده و شکل آنها را به حافظه‌اش سپرده و شکل آن اسم‌ها را نقاشی کرده است. همچنین کسی که می‌خواهد تایپ یاد بگیرد، در ابتدا به صفحه کلید زیاد نگاه می‌کند و در تایپ بسیار کند است. اما به مرور مهارتی به دست می‌آورد که در هر دقیقه تعداد زیادی کلمه را تایپ می‌کند.

کسی که املائی ضعیفی دارد مانند راننده و یا تایپیست است. به خود می‌گوید: چگونه می‌شود این همه کلمه‌ای را که در یک کتاب هست حفظ کرد؟ چگونه می‌شود بدون غلط کلمه‌ای را نوشت؟ همان‌گونه که برای رانندگی صحیح و بدون تصادف، به آموزش صحیح، تمرین و دو چشم باز که اطراف و جوانب را به خوبی ببیند نیاز است. در کار املا هم اگر فراگیر به روش‌هایی که گفته می‌شود خوب عمل کند و به تمرین بپردازد، به راحتی می‌تواند به آن بخش از مغز که همواره جزئیات بی‌پایان زندگی روزمره آن را پنهان کرده است عمیقاً نقب بزند و از طریق این تجربه توانایی‌اش را افزایش دهد تا شکل و تصویر کلمه‌ها را به وضوح و به شکل صحیح در ترکیب کلمه‌ها و جمله‌ها درک کند و به کار ببندد.

فراگیر ما در روزهای اول تمرین این تکنیک، احتیاج به تمرکز و دقت بیشتر دارد. بنابراین بهتر است:

- ۱- برای تمرکز بیشتر، به جایی خلوت و بدون سرو صدا برود تا تمرکز بیشتری داشته باشد. هر چند که بدون این کار هم می‌تواند به موفقیت برسد.
- ۲- زمانی به این کار بپردازد که خسته و خواب‌آلود نباشد.
- ۳- این کار را با لذت انجام بدهد.
- ۴- بدون استرس و اضطراب به تمرین بپردازد.

۱۲. یادآوری خاطرات کودکی و ...

چرا بسیاری از خاطرات دوران کودکی و نوجوانی به یادمان هست؟ چرا ضعیف‌ترین فراگیران بعضی از کلمات را به راحتی می‌نویسند ولی نوشتن برخی از کلمه‌ها برایشان بسیار سخت است؟ برای پاسخ به این دو سؤال و برای این که فراگیر ما بهتر حرف‌های ما را بفهمد، بهتر است برای او مقایسه‌ای را انجام بدهیم؛ پس به او می‌گوییم: ما در زندگیمان مدیون دو چیز هستیم، اول مدیون چشمانمان و دوم مدیون حافظه‌مان.

۱۳. مقایسه مغز با کامپیوتر و مقایسه چشم با دوربین

مغز ما مانند یک کامپیوتر و چشمان ما مانند یک دوربین است؛ اصلاً بهتر است این طور بگوییم: دوربین را از روی چشم انسان و کامپیوتر را از روی مغز انسان ساخته‌اند؛ پس ما با دوربین می‌توانیم زوم کنیم و از چیزهای مختلف عکس برداری یا فیلم برداری و آن‌ها را در آلبوم نگهداری کنیم و هر وقت بخواهیم می‌توانیم عکس‌ها را ببینیم و خاطراتمان را زنده کنیم؛ همچنین با کامپیوتر کارهای مختلفی را انجام می‌دهیم؛ متن یا اطلاعاتی را در دسکتاب کامپیوتر خود (حافظه کوتاه مدت) وارد

می‌کنیم، پردازش می‌کنیم و از آن استفاده می‌کنیم یا همان عکس‌ها و فیلم‌هایی را که با دوربین گرفته‌ایم در کامپیوتر کپی و فایل‌بندی می‌کنیم و هر وقت با آن کار نداشته باشیم آن را در هارد (حافظه‌ی بلندمدت) ذخیره می‌کنیم. در سال‌های گذشته عمرمان همین کار را با چشمان و مغزمان انجام داده‌ایم؛ با چشمانمان (دوران کودکی، نوجوانی، جوانی) در جاها و مکان‌های مختلف عکس‌برداری یا فیلم‌برداری کرده‌ایم و در مغزمان ذخیره کرده‌ایم؛ به همین خاطر است که هر وقت بخواهیم آن‌ها را بخاطرهارا به یاد می‌آوریم و حتی مانند فیلم آن صحنه‌ها را می‌توانیم در خاطرمات مجسم کنیم و آن‌ها را ببینیم؛ همچنین کلمه‌هایی مثل: من، تو، او، در و ... را قبلاً با دوربین چشمانمان عکس‌برداری کرده و در حافظه‌مان ذخیره کرده‌ایم؛ به همین خاطر این کلمه‌ها را بدون غلط می‌نویسیم؛ پس اگر کلمه‌های دیگر را هم با نگاه عمیق چشمانمان فقط در مدت چند ثانیه عکس‌برداری و در قسمت راست مغزمان که محل حافظه بلندمدت است، ذخیره کنیم؛ در هنگام املا یا هر وقت دیگر می‌توانیم از آن استفاده کنیم؛ به همین دلیل، اسم این روش و تکنیک را، املا با سمت راست مغز نام‌گذاری کردیم.

۱۴. نوشتن املا صحیح به آسانی

کلید فراگیری مهارت، برای نوشتن املاء خوب، ایجاد شرایطی است که تغییری ذهنی برای روش متفاوت پردازش اطلاعات به وجود می‌آورد، تا بتوان بهتر دید؛ در این شیوه، فراگیر می‌تواند آنچه را که می‌بیند به راحتی بنویسد. به عبارت دیگر، نوشتن املا مهارتی است که با پردازش اطلاعات بصری به نوع خاص یعنی خوب دیدن و عکس‌برداری از کلمه حاصل می‌شود. نوع دیدنی که فراگیر باید بیاموزد، روشی متفاوت از شیوه معمول برای استفاده از مغز را ایجاد می‌کند، که این شیوه برخلاف روش‌های متداول به آسانی خوردن یک لیوان آب است. اگر فراگیر به روشی که به او آموخته می‌شود ببیند، می‌تواند به راحتی املائی در سطح بسیار مطلوب بنویسد.

تکنیک عکس‌برداری، تکنیک خاموش و روشن یا املا با سمت راست مغز، روشی است که برای همه افراد، با هر نوع استعداد و فهمی و در هر سن و ملیتی قابل اجرا است؛ چون افراد مختلفی با استعدادهای گوناگون و سن‌ها و ملیت‌های مختلف در این روش مورد آزمایش و امتحان قرار گرفته‌اند و نتیجه چنین شده است: کسانی که این روش را خوب به کار بردند، نه به تدریج، بلکه به یک باره پیشرفت قابل توجهی کردند. حتی کسانی که در یک املائی یک صفحه‌ای حدود چهار تا پنجاه غلط املائی داشتند، بعد از به کارگیری این تکنیک، غلط آن‌ها به دو سه غلط جزئی رسید که همین دو سه غلط در مرحله بعد به صفر رسید و نمره کامل را گرفتند.

www.anjomanfarsi.ir

لوازم مورد نیاز

لوازم مورد نیاز این کار بسیار ساده و ارزان است.

۱. دو عدد ماژیک علامت‌گذاری، یکی حتماً زرد و دیگری سبز یا رنگ دیگر.
۲. چند برگه کاغذ سفید.
۳. یک کاغذ سفید بدون خط که در وسط آن مستطیلی دو سانت در یک سانت درآورده شده باشد.
۴. یک مداد اتود نه دهم یا هفت دهم، با مغز نوکی مناسب، که هم پررنگ بنویسد و هم هنگام نوشتن به راحتی نشکند.^۲
۵. یک مداد معمولی با مغز نوکی مناسب، که هم پررنگ بنویسد و هم هنگام نوشتن به راحتی نشکند.
۶. دو عدد خودکار روان و پررنگ.
۷. یک دفترچه یادداشت جیبی که فراگیر بتواند همیشه همراه خود به هر جا ببرد.
۸. یک عدد پاک‌کن خوب که محل را به خوبی پاک کند و سیاهی از خود باقی نگذارد.
۹. یک لیوان آب میوه، چای، یا هر چیز دیگر.

۱. علت تأکید بر ماژیک زرد این است که در این روش ما از تکنیک روشن و خاموش استفاده می‌کنیم و ماژیک زرد مانند لامپ هزار و ماژیک سبز مانند لامپ پانصد و ماژیک‌های دیگر مانند لامپ صد یا پنجاه است.

۲. بسیاری از اوقات فراگیر به خاطر این که مداد یا خودکار مناسبی برای نوشتن املا انتخاب نکرده است، هنگام نوشتن املا در چند مورد مداد یا خودکار او دچار مشکل می‌شود و زمانی را که فراگیر برای رفع مشکل مداد یا خودکار خود صرف می‌کند سبب می‌شود قسمت‌هایی از املا را جا بیندازد و همین سبب می‌شود که چند نمره از او کسر شود.

مراحل یادگیری

۱. شب قبل از هر درسی، چون فراگیر احتیاج به آرامش دارد، ابتدا نام خدا را بر زبان جاری می‌کند؛ زیرا گفتن نام خدا به او آرامش می‌دهد.
۲. درس مورد نظر را باز می‌کند؛ کلمه‌ها و جمله‌های زیادی را مقابل چشمانش می‌بیند. در بدو امر، درس برای او سخت و مانند غولی جلوه می‌کند. با این تکنیک می‌خواهیم کار را برای فراگیر آسان و غول بزرگ را برای او کوچک جلوه بدهیم.
۳. فراگیر درس را نمی‌خواند، بلکه فقط یک بار به درس نگاه می‌کند. - استفاده از قسمت راست مغز غیر کلامی - در اصل درس را پیش مطالعه می‌کند. فراگیر در هر درسی کلمه‌های زیادی مانند من، تو، در، با و ... را در مقابل خود می‌بیند که قبلاً آن‌ها را آموخته است و از نظر املائی با آن‌ها مشکلی ندارد و هر کدام از آن کلمه‌ها را که به او بگوییم به راحتی می‌نویسد. چرا؟ چون قبلاً آن‌ها را عکس برداری کرده است. پس در اینجا ما از فراگیر می‌خواهیم که:
۴. فقط کلمه‌هایی را که از نظر املائی با آن‌ها مشکل دارد، روی آن‌ها با ماژیک علامت‌گذاری زرد، خطی بکشد. در اصل آن‌ها را روشن کند. - در روش و تکنیک روشن و خاموش فراگیر با کشیدن ماژیک زرد روی کلمه‌ای که از نظر املائی با آن مشکل دارد، برای خود درس را به دو قسمت بلدم و بلد نیستم تبدیل می‌کند. کلمه‌هایی را که روی آن علامت‌گذاری نکرده، به صورت خاموش باقی می‌ماند، یعنی این کلمه‌ها را بلدم و کلمه‌هایی را که روی آن ماژیک زرد کشیده، یعنی روشن و معنی آن این است که این کلمه‌ها را بلد نیستم؛ با این تکنیک، خود فراگیر همه کاره است و ما فقط به او راه و روش را آموزش داده‌ایم و خودش کلمه‌هایی را که بلد نیست انتخاب می‌کند و یاد می‌گیرد؛ در اصل به او ماهی‌گیری یاد داده‌ایم؛ چون در یک درس یا در یک کتاب کلمه‌های زیادی وجود دارد و فراگیر با دیدن این کلمه‌ها دچار وحشت و اضطراب می‌شود؛ اگر فراگیر هر روز از اول کتاب و از کتاب‌های پایین این دستورالعمل را به کار بگیرد، در هر درسی با پنج تا بیست کلمه روشن، یعنی حدود بیست کلمه نمی‌دانم روبروست و در یک کتاب با ۱۰۰ تا ۳۰۰ کلمه روشن؛ یعنی بلد نیستم روبروست. از این به بعد اگر دستورالعمل‌ها را خوب به کار نبرد و استثنائاً کلمه‌ای را خوب یاد نگرفت، هر وقت کتاب را ورق بزند، کلمه‌های روشن را به چشم می‌بیند و چون این کلمه‌ها را بارها و بارها می‌بیند، به مرور عکس این کلمه‌ها به حافظه بلندمدت او سپرده می‌شود و مسلم است چشم مغز بهتر از چشم سر است و در شب امتحان می‌تواند با نگاه کردن دوباره به این ۱۰۰ تا ۲۰۰ کلمه روشن در یک کتاب، حافظه بلندمدتش را فراخواند و به راحتی آب خوردن در امتحان املا موفق شود.
۵. آواهای کوتاه و بلند هر کلمه را به وسیله خطی که با امداد روی آن می‌کشد از هم جدا می‌کند. مثلاً ع/لا/قه. با این کار فراگیری که در آواهای کوتاه و بلند مشکل دارند مشکلشان حل می‌شود. این مشکل را بیشتر آذری زبان‌ها و عرب زبان‌ها به خاطر اشباع کلمه‌ها دارند.
۶. تمام کلمه‌های روشن شده به وسیله ماژیک علامت‌گذاری را در دفترچه خود با فاصله، زیر هم می‌نویسد.
۷. کاغذی که وسط آن را دو سانت در یک سانت درآورده روی کلمه اول می‌گذارد. فراگیر با این کار به خود تلقین می‌کند که در این درس فقط همین یک کلمه را بلد نیستم و باید آن را بیاموزم.
۸. فراگیر فقط حدود ۳ تا ۵ ثانیه به کلمه نگاه می‌کند. در این مرحله، به دلیل روشن بودن کلمه اول و فقط چند لحظه نگاه عمیق، نیم‌کره راست را به کار فرامی‌خواند و بدون استفاده از کلام که مربوط به نیم‌کره چپ مغز «حافظه کوتاه مدت» است با نوشته روی کتاب ارتباط برقرار می‌کند و به راحتی تصویر خطی کلمه را به حافظه بلندمدت (هارد مغز) می‌سپارد. وقتی استاد در زمان گفتن املا کلمه را به زبان می‌آورد، ضمیر ناخودآگاه فراگیر همان کلمه‌ای را که با چشمش عکس برداری کرده و در هارد مغز، ذخیره کرده با همان شکل نوشتاری به چشم خود می‌بیند.
۹. قبلاً گفته شد که یکی از توانایی‌های شگفت‌انگیز نیم‌کره راست مغز، تصویربرداری تخیلی است. یعنی دیدن تصویر تخیلی کلمه با چشم مغز. مغز قادر است تصویر شیئی و یا حتی کلمه‌ای را مجسم و به آن نگاه کند و آن را چنان ببیند که انگار واقعاً وجود دارد؛ پس در این مرحله فراگیر چشم خود را آرام می‌بندد و سعی می‌کند کلمه را با ذهن خود حتی المقدور به صورت برجسته ببیند. (تصویربرداری تخیلی به شیوه نیم‌کره راست).
۱۰. در این مرحله، فراگیر، کلمه را در ذهن خود می‌بیند و کلمه را به صورت فضایی می‌نویسد. ممکن است این کار را چند بار انجام دهد.

۱۱. فراگیر با مداد اتودی که نوک آن بیرون نیست، روی کلمه، حرف به حرف به صورت نمایشی می‌نویسد و به حروف و آواهای تشکیل دهنده کلمه توجه می‌کند. در این مرحله چون فراگیر کلمه را تلفظ نمی‌کند، دوباره قسمت راست مغز را به کار گرفته است. دو- سه مرتبه این کار را انجام می‌دهد.
۱۲. در مرحله بعد، فراگیر از روش کلامی استفاده می‌کند تا بتواند احساس مشاهده خود را با استفاده از تمام مهارت نیم‌کره چپ مغز - کلمات و افکار منطقی - تفسیر کند. همان‌طور که با مداد اتودی که نوک آن بیرون نیست، روی کلمه، حرف به حرف و آوا به آوا، آرام پیش می‌رود، حرف به حرف و بخش به بخش کلمه را هم زمزمه می‌کند. - خواندن مثل تلفظ واقعی - در کلمه‌هایی که از حروف مشترک، «کلمه‌های عربی استفاده شده» بهتر است مثل عرب‌ها تلفظ کند. مثلاً مداد را روی حرف عین «علاقه» می‌گذارد و می‌گوید: «عَ»، «عَ»، «عَ»، «عَ» با این کار گویا کلمه را در مغز خود می‌نویسد. با این عمل که کلمه را زمزمه می‌کند بین نیم‌کره راست مغز - غیر کلامی - و نیم‌کره چپ مغز - کلامی - ارتباط برقرار می‌کند. این کار را چند بار انجام می‌دهد، یعنی دیدن خاص، نوشتن نمادین، زمزمه کردن به صورت بخش بخش و ...
۱۳. چند ثانیه نگاه را از روی کلمه برمی‌دارد. در این جا زنگ تفریح برای فراگیر است. در این مرحله فراگیر می‌تواند چند ثانیه استراحت بکند؛ آب، یا آب میوه‌ای میل کند تا حواسش از کلمه پرت شود.
۱۴. با مداد یا خودکار روی کاغذی که در کنار دستش قرار داده همان کلمه را می‌نویسد.
۱۵. کلمه‌ای را که نوشته با کلمه کتاب مقایسه می‌کند.
۱۶. اگر صحیح نوشته بود، به سراغ کلمه بعدی می‌رود و اگر غلط نوشته بود، تمام مراحل هفتم تا پانزدهم را دوباره تکرار می‌کند.
۱۷. بعد از یاد گرفتن کلمه اول مطمئن می‌شود که تا این لحظه و در مدت بسیار کوتاه، تقریباً نودونه درصد یک کلمه سخت را به آسانی آموخته و با اعتماد به نفس می‌تواند به سراغ کلمه بعدی برود و مطمئن باشد بعد از آموختن یک کلمه با احساس بهتری می‌تواند به سراغ کلمه بعدی برود. برای کلمه بعدی سعی کند بهتر نگاه کند و کلمه را واقعی‌تر ببیند و تمرینات - تمرکز، خوب دیدن، حرف به حرف خواندن، با مداد روی هر حرف نوشتن و خواندن آرام و ... - را انجام می‌دهد تا آخرین کلمه درس و به مرور تا آخرین کلمه سخت کتاب. به این ترتیب رمزی را بعد از رمزی دیگر برای خود می‌گشاید و با استفاده از این تکنیک جدید برای دیدن، می‌تواند جوهر کلمه‌ها را ببیند و بدین وسیله به گفته دی. تی. سوزوکی با آشکار شدن محسوسات، فراگیر پوسته قالب‌های کلیشه‌ای که روی واقعیت‌ها را پوشانده و او را از دیدن واضح باز داشته کنار می‌زند و با در اختیار داشتن نیروی دونیم‌کره، دریچه‌هایی به سوی پیشرفت برای خود می‌گشاید و توانایی بیشتری در کنترل بعضی از روندهای کلامی که تفکر را به اشتباه می‌اندازد به دست می‌آورد.
- اگر احياناً فراگیر، کلمه‌ای را خوب یاد نگرفته باشد نباید نگران باشد، چون به دفترچه‌ای که در آن کلمه‌هایی را که با آن‌ها مشکل داشت، نوشته بود- در مواقع بیکاری، در اتوبوس، در صف نانوبی و حتی موقع صحبت کردن با دوستانش و یا مواقعی مثل دیدن فیلم که تمرکزی هم ندارد و ... - در ۵ ساعت مختلف، هر بار به هر کلمه یک تا دو ثانیه نگاه می‌کند و آن‌ها را به مرور به حافظه بلند مدتش می‌سپارد. و یا هر گاه کتابش را ورق می‌زند، به خاطر روشن بودن این کلمه‌ها در حافظه بلند مدتش ذخیره می‌شود. این مرحله تثبیت است.
- وقتی تمام کلمه‌های سخت را ۵ مرتبه در ساعت‌های مختلف عکس‌برداری کرد، می‌تواند با آرامش به استراحت پردازد و صبح فردا، قبل از رفتن به کلاس یک بار برای چند ثانیه به کلمه‌ها نگاه می‌کند سپس به کلاس می‌رود؛ در حالی که مطمئن است هیچ کلمه‌ای در این درس نیست که از نظر املائی با آن مشکلی داشته باشد. در پایان همه‌مراحل فراگیر اگر دو ست داشت می‌تواند روی کلمه‌هایی را که صددرصد یاد گرفته با مازیک علامت گذاری آبی یا سبز خط دیگری بکشد. در اصل با این کار آن کلمه را به صورت نیمه‌روشن درمی‌آورد؛ یعنی: با این کلمه دیگر مشکلی ندارم.
- اگر فراگیری خواست این تکنیک را از وسط یا آخر یک کتاب شروع کند، باید این کار را از درس اول به صورت درس به درس انجام دهد، یعنی تمام مراحل یک تا هفدهم را از درس اول، کلمه به کلمه انجام دهد؛ وقتی درس اول را یاد گرفت، درس‌های بعدی را تا آخرین درس کتاب ادامه می‌دهد.

۱۵. فوائد استفاده از تکنیک روشن و خاموش یا عکس برداری

۱. آسان بودن اجرا؛
۲. جلوگیری از اتلاف وقت فراگیر؛
۳. خسته و زده نشدن فراگیر؛
۴. جلوگیری از صرف هزینه‌هایی مثل: کلاس تقویتی یا خصوصی، نوشتن تکراری کلمه‌ها که علاوه بر صرف هزینه کاغذ و مداد منجر به خستگی و زدگی فراگیر هم می‌شود؛
۵. ایجاد انگیزه و شوق در فراگیر؛
۶. تحول و انقلاب فوری و عجیب در فراگیر؛
۷. اصلاح غلط‌های نوشتاری و رسم الخطی؛
۸. دورکردن فراگیر از استرس شب امتحان و هنگام امتحان - اگر فراگیر این تکنیک را از کلاس اول یا از اول هر کتابی شروع کند؛ به دلیل اینکه درس به درس پیش می‌رود و هرروز با حدود ده تا بیست کلمه جدید روبرو می‌شود و آن‌ها را می‌آموزد، در پایان هر کتاب با حجم زیاد درس که باعث وحشت و استرس است مواجه نمی‌شود و لازم نیست تمام کتاب را مطالعه کند، چون بر فرض هم که نصف این کلمه‌ها را یاد نگرفته باشد با حدود پنجاه تا صد کلمه در کل کتاب روبروست و بدون استرس در امتحان موفق می‌شود؛
۹. تأثیر در صحیح خواندن؛
۱۰. تأثیر در سریع خوانی و سریع نویسی - کسی که املائی ضعیفی دارد، موقع خواندن و نوشتن باید وقت زیادی را صرف کند تا کلمه به یادش بیاید تا کلمه را صحیح بنویسد؛ در صورتی که با استفاده از این روش ضمیر ناخودآگاهش به کمک او می‌آید و بعدها، هم سریع می‌تواند بخواند و هم سریع می‌تواند بنویسد.
۱۱. درمان فراگیر با هر مقدار غلط بالا؛
۱۲. تأثیرگذاری و تأثیرپذیری با هر سطح استعداد و فهم؛
۱۳. تأثیر مثبت در سرعت خواندن و فهم همه‌مطالب؛ چون معمولاً کسی که املائی ضعیفی دارد، موقع خواندن و نوشتن باید وقت زیادی را صرف خواندن حرف به حرف کلمه‌ها کند ولی وقتی از کلمه‌ها عکس برداری خوبی انجام داد، موقع خواندن و نوشتن، وقت کمتری را صرف می‌کند؛ چون احتیاج به خواندن حرف به حرف ندارد، بلکه با یک نگاه می‌تواند نصف جمله را بخواند؛
۱۴. تأثیر سریع در هر جای کتاب و در هر سطحی ولی بهتر است از اول هر کتاب و از آن بهتر این که از کتاب‌های پایین‌تر این روش به کار گرفته شود؛
۱۵. فراگیر هنگام نوشتن املا، کلمه یا قسمتی از جمله را جا نمی‌اندازد؛
۱۶. فراگیر خوب می‌بیند، خوب می‌گوید، در نتیجه خوب می‌نویسد؛ پس قرائت فراگیر هم خوب می‌شود؛
۱۷. هر مقدار بیشتر سعی کند موفقیت او بیشتر می‌شود؛
۱۸. مدتی که فراگیر صرف کار خود می‌کند بسیار اندک است.

۱۶. نتیجه

در امر آموزش زبان فارسی به دانش آموزان و به فراگیران غیر ایرانی، در مهارت‌های گوناگون مشکلات و اختلالاتی پیش می‌آید. یکی از مهمترین مشکلات، در مهارت نوشتار و بویژه املائی واژه‌هاست. عوامل مختلفی باعث می‌شوند که فراگیران در املا دچار مشکل شوند. برخی از این علل عبارتند از: ناآشنایی با آواها و حروف، اختلاف زبان مادری، اشکال در تدریس یا روش تدریس استاد، لهجه و گویش استاد، اشکال در کتاب آموزشی، عوامل فیزیولوژیک مؤثر در بروز اختلالات یادگیری، نابهنجاری در پردازش اطلاعات دیداری، مشکلات خانوادگی، بیماری فراگیر یا یکی از اعضای خانواده‌اش، خستگی و خواب‌آلودگی، بی‌انگیزه بودن. شکلهای این اختلال هم عبارتند از: اضافه یا کم نوشتن حرفی ناشی از خطا در شناخت آواهای کوتاه و بلند، سرهم یا جدانویسی نایجابی کلمه، ننوشتن حروف استثنا، نوشتن به زبان مادری، کم یا زیاد یا بی‌جا گذاشتن دندانه، نقطه، تشدید و فرایندهای واجی حذف، تبدیل، افزایش و قلب که در بین نوشته‌های فراگیران زیاد دیده می‌شود. مشکلات املائی را به روشهای

گوناگون و با استفاده از خلاقیت‌های مختلف می‌توان برطرف کرد. تصویربرداری با چشم و سپردن شکل کلمه به حافظه و اجرای تکنیک روشن و خاموش که با ابزاری معمولی و کم خرج امکان پذیر است در رفع اشکالات املائی فارسی آموزان و فراگیران غیر ایرانی آزموده شده و بسیار مؤثر است. این روشها علاوه بر فوائد مادی و صرفه جویی در هزینه‌ها، در اشتیاق آنان به آموختن بیشتر و ایجاد انگیزه نیز تأثیر فراوان دارد.

منابع:

- احمدی بیرجندی، احمد. شیوه آموزش املائی فارسی و نگارش برای معلمان مدارس، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. ۱۳۷۹.
- ادواردز، بتی، کتاب طراحی با سمت راست مغز، ترجمه عربعلی شروه، چاپ هفتم، انتشارات مارلیک، ۱۳۹۵.
- استاینبرگ، دنی. روانشناسی زبان، ترجمه ارسلان گلغام. تهران: سمت. ۱۳۸۸.
- تایلاکر، یورگ. پرورش حافظه برای همه سنین. تهران: انتشارات پیدایش، چاپ سوم. ۱۳۸۱.
- تبریزی، مصطفی، درمان اختلالات دیکته نویسی، تهران: نشر فراوان. ۱۳۸۹.
- زندى، بهمن. بررسی مشکلات املائی از دیدگاه یافته‌های علم نوین زبان شناسی. ۱۳۷۳.
- زندى، بهمن. روش تدریس زبان فارسی در دوره دبستان، تهران: سمت. ۱۳۸۴.
- زهرودی، فاطمه؛ ازغ، مریماملای بی‌دغدغه ویژه آموزگاران، انتشارات کتیبه نوین. ۱۳۹۵.
- طوسی، بهرام. مهارت‌های آموزش زبان خارجی، مشهد: نشر تابان. ۱۳۸۲.
- زرین اعظمی و همکاران، «مقایسه و اندازه‌گیری سرعت حرکات ساکاد چشم در داوران ماهر و مبتدی بسکتبال با استفاده از دستگاه الکترو اکولوگرام دینامیک»، فصلنامه علوم پیراپزشکی و توانبخشی دانشکده علوم پزشکی مشهد، دوره ۵، شماره ۱.
- مشکوه الدینی، مهدی. ساخت آوایی زبان، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، چاپ چهارم، ۱۳۷۷.
- نجف‌زاده، سروش، ارزشیابی از دانش‌آموزان دارای اختلال دیکته، انتشارات ضریح آفتاب. ۱۳۹۷.



پایگاه استنادی علوم جهان اسلام



IRAN KHOMEINI
INTERNATIONAL UNIVERSITY

انجمن علمی زبان ادبی فارسی

چهارمین همایش ملی آموزش زبان فارسی - ۱۳۹۹

www.anjomanfarsi.ir